



# دوره‌گرافیک ۸۷ رضاعابدیانی

نمایشگاه‌های متعددی در ایران و خارج از ایران برپا شده و تعداد کثیری از شرکت‌کنندگان این دوره‌ها در حال حاضر از برجسته‌ترین طراحان جوان امروز هستند.

جزماندیشی در سیستم آموزشی مراکز آموزش عالی و بوروکراسی حاکم براین مراکز باعث می‌شود امید به تغییر در روش‌های آموزش و یا بهبود در این وضعیت بسیار دشوار و یا حتی محال به نظر برسد.

از پراهمیت‌ترین مسائل و دریافت‌های منطقی سال‌ها تدریس در مراکز گوناگون آن است که روش‌های تدریس منطبق با واقعیت نیستند و از طرف دیگر به هیچ عنوان بومی نشده‌اند و بدیهی است که دانش آموختگان این مراکز دچار مشکل عمده هستند؛ اول اینکه نمی‌توانند از آموخته‌هایشان به درستی استفاده کنند و دوم آنکه راه حل‌های مناسب برای مسائل فرهنگی و اجتماعی و بومی خودشان پیدا نمی‌کنند.

خوب و موفق تراهنما و مدرس تفاوت زیادی هست. اینکه چگونه و با چه ملاحظاتی مطالب دسته‌بندی شوند تا در نظر شاگردان بی‌هدف ننمایند، شناخت و ارزیابی دانشجویان، یجاد شوق و هیجان، شناخت روش‌های نقد و صدھا نکته دیگر، حرفه‌ی آموزگاری را به کلی از یک طراح گرافیک متمایز می‌کند و صد برابر حساستر.

بی‌تردید در هر نوع نظام آموزشی، هدف هر دو طرف برای حضور و صرف وقت و انرژی، انتقال اطلاعات و تجربیات و در هنر کشف است که قطعاً می‌باشد منجر به نتایج روشن و ملموس شود. به مفهومی ساده‌تر؛ باید چیزی در ذهن دانشجو به حرکت درآید که تاثیر آن در کارهای عملی او و نگاهش کاملاً قابل لمس و معنادار شود. پیداست که تاثیرات سریع و هیجان زده همواره سطحی‌اند.

"دوره گرافیک ۸۷" بر اساس تجربیات تنظیم شده که حداقل ۲ دوره آن به‌طور کامل به اجرا درآمده و نتایج آن به روشنی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است که خوبی‌خانه اثرات آن هم بر شرکت‌کنندگان انکار ناپذیر است. به طور مثال از ماحصل آثار ساخته شده در این دوره‌ها

در این موضوع تردیدی نیست که آموزش، اساسی ترین و تاثیرگذارترین عامل در روند رشد و سرعت بخشی به شکل گیری فرهنگ و دانش هر فرد است. اهمیت این مقوله در بحث آموزش هنر بخاطر ویژگیهای و متغیرهای متعدد آن، ملاحظات چند برابری را طلب می‌کند.

بی‌گمان در حوزه فرهنگ همانقدر که روش آموزش هدفمند، با برنامه‌هایی روشن و خصوصاً منطبق با ویژگیهای بومی هر جامعه می‌تواند افقهای تازه‌ای را برای هر فرد علاقه‌مندی بگشاید، در عین حال روش‌های تجربه نشده و کمی برداری شده و مهمتر از همه به روز نشده می‌توانند تا سال‌ها ذهن و حرکت هر انسانی را کندکرده و یا حتی مطلقاً جهت حرکت آنها را منحرف و یا مسدود کند. همچنین برای تحقق اهداف آموزشی به ویژه در مباحثی چون هنر که نیاز به کار عملی توأم با اطلاعات و مباحث نظری دارد ۲ شرط اساسی بدیهی به نظر می‌رسد:

اول آنکه؛ قابل قبول نیست که مابین آنچه تدریس شده و به شاگردان توصیه می‌شود و آنچه به عنوان یک هنرمند نقاش و یا طراح گرافیک تولید می‌کنیم تناسبی قطعی وجود نداشته باشد. به عبارت روشن‌تر، طبیعی است که آنچه در مراحل تدریس به هنرجو توصیه می‌شود می‌باشد به نوعی در آثار مرتب و استاد هم قابل تشخیص باشد. و این یعنی آنچه به عنوان مباحث درسی، تمرینات و گفتگو بین شاگردان و استاد رد و بدل می‌شود، می‌باشد مبتتنی بر تجربیات عملی و مطالعات منتج به نتیجه روشن و راهگشا باشد و یا محدوده تجربیات به درستی شناخته شده باشد.

نکته بعدی آنکه؛ حال اگر فرض کنیم شرط اول یعنی ارتباط و انطباق دانسته‌های یک استاد با تجربیات قطعی باشد، شرط دوم آن خواهد بود که آیا توانایی انتقال این اطلاعات و دانش را به مخاطب دارد؟ ساده‌تر اینکه بین طراح گرافیک

